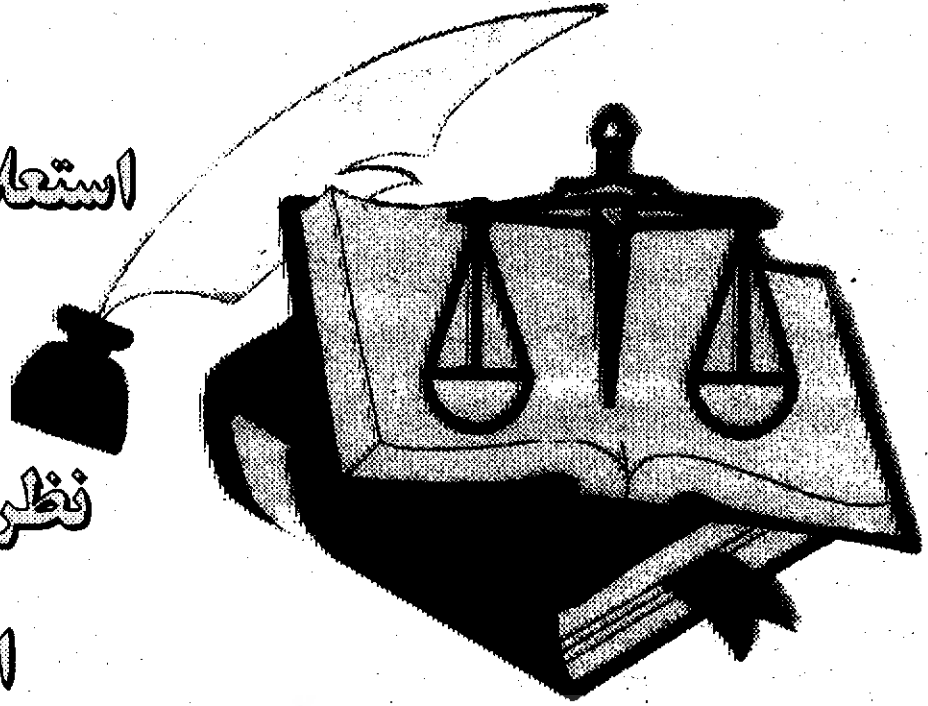


استعلامات قضایی

و

نظرات مشورتی

اداره حقوقی



«پرداخت دیه مقتول مجهول الهویه بدون درخواست اولیای دم فاقد وجهت قانونی است.»

سؤال : با اخذ ملاک از ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی در مواردی که جسد مقتولی در شارع عام کشف و هویت او مجهول و قاتل یا قاتلین هم بر اثر پیگیریهای زیاد پلیس شناخته نشده و مشخصات آنها نیز مجهول مانده است آیا می توان حکم به پرداخت دیه صادر و آقای رئیس دادگستری (جانشین دادستان سابق) در مقام اجرای حکم دیه مورد حکم را از بیت المال اخذ و در حساب مخصوص نگهداری و حفاظت نموده و به محض کشف هویت مقتول و اولیای او دیه را به آنان پرداخت نماید؟

شماره و تاریخ نظریه ۷۶/۱۰/۴-۷/۵۴۹۵
«نظریه مشورتی اداره حقوقی»
«در صورتی که مقتول، مجهول الهویه باشد صدور حکم به دیه لا تعیین هویت وی

ساله ای که مرتکب ایراد ضرب عمدی شده است به پرداخت دیه محکوم شود، آیا می توان عاقله را در صورت استنکاف از پرداخت دیه بازداشت نمود یا نه؟

شماره و تاریخ نظریه: ۷۶/۱۰/۴-۷/۶۴۰۷
«نظریه مشورتی اداره حقوقی»

«با عنایت به مادتهای ۳۱۲ و ۳۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و این که مسئولیت عاقله به پرداخت دیه، از امور تکلیفی و فاقد خصیصه کیفری و دارای جنبه حقوقی است، و ناشی از مسئولیت کیفری عاقله نیست اعمال مقررات بازداشت موضوع ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب سال ۱۳۷۵ نسبت به عاقله صحیح نیست و لذا در صورتی که عاقله مسئول پرداخت دیه باشد و نپردازد اگر متمکن باشد دیه از مال عاقله اخذ می شود و اگر متمکن نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می شود.»

«قاضی تحقیق می تواند قرار بازداشت صادر کند»

سؤال : با عنایت به اینکه در بند (و) ماده ۸ آیین نامه شرح وظایف قضات تحقیق مصوب ۸ خرداد ماه ۱۳۷۴ قوه قضاییه اشاره ای به صدور قرار بازداشت موقت توسط قاضی تحقیق نشده، آیا قاضی تحقیق می تواند قرار بازداشت موقت صادر نماید یا خیر؟

شماره و تاریخ نظریه ۷۶/۱۰/۴-۷/۴۵۳۴
«نظریه مشورتی اداره حقوقی»

«با عنایت به تبصره یک ماده ۱۴ و ماده ۱۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب قاضی تحقیق می تواند فقط طبق دستور دادگاه قرار صادر نماید و این قرار در حقیقت قرار صادر از دادگاه است و قطعی است و قابلیت اعتراض ندارد»

«بازداشت عاقله صحیح نیست.»
سؤال - در صورتی که عاقله پسر ۱۳

و تقاضای صاحبان یخون به استناد ماده ۲۹۴ قانون مجازات اسلامی و جاهت قانونی نخواهد داشت.

«احراز اعسار عاقله نیازی به دادخواست ندارد»

سؤال - نظر به این که برابر ماده ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی «هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود» لذا اگر عاقله تمکن مالی داشته باشد و دیه را نپردازد آیا از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در صورت اخیر آیا اعسار وی باید ثابت شود اگر باید ثابت شود نیاز به ارائه دادخواست اعسار هست یا این که با تحقیق از طرف واحد اجرای احکام اعسار وی ثابت می‌شود.

شماره و تاریخ نظریه ۷۶/۱۰/۲-۷/۶۴۷۴

«نظریه مشورتی اداره حقوقی»

«مسئولیت عاقله نسبت به پرداخت دیه و محکومیت به آن جنبه تکلیفی دارد و لذا چنانچه عاقله متمکن باشد باید دیه از مال وی پرداخت گردد و در صورت عدم تمکن باید از بیت‌المال پرداخت شود. احراز عدم تمکن عاقله به هر نحوی ممکن است و تقدیم دادخواست اعسار ضرورت ندارد.»

«آزادی مشروط و عفو»

سؤال - باتوجه به این که بعضی از محکومین مشمول عفو تقلیلی قرار می‌گیرند در خصوص آزادی مشروط با عنایت به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی می‌توان ملاک محاسبه را برای گذراندن $\frac{1}{3}$ یا $\frac{2}{3}$ از محکومیت حبس تقلیلی قرارداد و یا اینکه ملاک عمل محکومیت صادره در دادنامه مورد نظر است؟

شماره و تاریخ نظریه: ۷۶/۱۰/۲-۷/۶۵۶۷

«نظریه مشورتی اداره حقوقی»

«مستنداً به ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، صدور حکم بر آزادی مشروط در مورد جرائمی که کیفر قانونی آنها بیش از سه سال حبس است موکول به تحمل دوثلث مجازات و در مورد جرائمی کیفر قانونی آنها تا سه سال حبس است تحمل نصف مجازات تعیین شده در حکم دادگاه است. بنابراین محکومینی که مشمول عفو می‌شوند و مجازات آنان تقلیل می‌یابد در صورتی صدور حکم آزادی مشروط آنان امکان پذیر است که به ترتیب $\frac{2}{3}$ یا $\frac{1}{3}$ مجازات تعیین شده در حکم را تحمل نموده باشند.»

«شارع عام چیست؟»

سؤال: باتوجه به مفاد ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مراد مقنن از شارع عام چیست؟ آیا شامل کوچه ها - خیابانها - مزارع و باغها و حریم جاده‌های بین شهری (جاده اسفالت و ریل‌های راه‌آهن) و داخل محدوده گورستان‌ها می‌باشد یا دارای ویژگی‌های خاص و مشمول موارد معین است؟

شماره و تاریخ نظریه: ۷۶/۱۰/۴-۷/۵۴۹۵

«نظریه مشورتی اداره حقوقی»

«شارع عام به دلالت فرهنگهای موجود در باب لغات و کنایات و اصطلاحات، به معنای گذرگاه عمومی است یا جایی که امکان گذر عمومی وجود داشته باشد و در این مفهوم به تمام مواردی که در استعمال آمده است صادق می‌باشد، اضافه می‌نماید محل عبور افراد به خصوص و محصور و اشخاص معین شارع عام تلقی نمی‌شود.»

«توقیف غیر قانونی»

سؤال: با توجه به ماده ۱۲۴ آیین دادرسی کیفری در مورد ضرورت خاص که

زودتر سرپرست به طفل تحت سرپرستی صلح شده باشد در صورت فوت طفل و جود و اصول مستفاد از تصرف دولت به زودتر سرپرست تعیین خواهد شد.

ماده ۳. طفلی که برای سرپرستی سپرده می‌شود باید دارای شرایط زیر باشد:

الف- سن طفل از ۱۲ سال تمام کمتر نباشد. ب- هیچ یک از پدر یا جد پدری یا مادر طفل بدستگیر نشده یا در زندان حبس نباشد یا کودکی نباشد که به سرپرست تمام متمکن سپرده شده و سه سال تمام پدر یا مادر یا جد پدری او مرده نگردد باشد.

تبصره - کسانی که کودکان واجد شرایط را قبل از تصویب این قانون تحت سرپرستی گرفته‌اند در صورتی که از جهت اخلاقی و مادی واجد شرایط باشند به تشخیص دادگاه نسبت به سایر مقتضیات در مورد این کودکان حق تقدم دارند و در این حکمت شرط من این برای طفل و سرپرست او رعایت نخواهد شد. ماده ۷. دادگاه صلاحیت دارد برای رسیدگی به کلیه امور مربوط به این قانون دادگاه همانند سایر موارد محل اقامت در لواسات کند است.

ماده ۸. دادگاه از نظر رسیدگی به امر سرپرستی موضوع این قانون شارع مقررات ذمیت خانواده است.

ماده ۹. حکم صادر در کلیه امور مربوط به سرپرستی شامل رسیدگی پژوهشی و فرجایی است.

ماده ۱۰. مقتضایان می‌توانند با تصویب دادگاه و رعایت مقررات این قانون کودکان محذوری را سرپرستی نمایند.

ماده ۱۱. وظایف و تعاریف سرپرست و طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگهداری و تربیت و نفع و احترام نظیر حقوق و تکالیف تولد و پدر و مادر است.

بعضاً در حین تحقیقات و جمع آوری ادله حادث می‌شود و با عنایت به مفهوم مخالف ماده مرقوم که خلاف آن در قوانین مدونه تصریح نشده است آیا مستنطق می‌تواند به نگهداری متهم پس از انجام استنتاجات اولیه به صورت «تحت نظر» بیش از ۲۴ ساعت دستور بدهد؟

شماره و تاریخ نظریه ۷۵/۵/۹-۷/۱۹۰۸

نظریه مشورتی اداره حقوقی

«به موجب مفاد ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری اقدامات مأمورین انتظامی تا ۲۴ ساعت غیرقانونی نمی‌باشد ولی پس از آن باید به متهم تفهیم اتهام شود و چنانچه دلایل توجه اتهام به متهم کافی باشد قرار تأمین مناسب صادر گردد و به استناد ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری توقیف بیشتر از ۲۴ ساعت بدون تفهیم اتهام و صدور قرار تأمین در ردیف توفیقاتی است که به اراده شخصی به عمل آمده و هر یک از مستحفظین یا مستنطق یا مدعی‌العموم در ازای این تخلف از شغل خود منصرف خواهد شد.»

«حدود اجرای اصل ۲۵ قانون اساسی»

سؤال: در چه مواردی قانون اجازه مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را داده است؟ و آیا حاکم دادگاه طبق ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند این اجازه را صادر نماید؟

شماره و تاریخ نظریه: ۷۶/۲/۹-۷/۷۹۳

نظریه مشورتی اداره حقوقی

«مطابق اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی و استراق سمع ممنوع است مگر به حکم قانون، بنابراین چنانچه منحصرأ از طریق استراق سمع کشف جرم

امکان‌پذیر باشد و جز از راه استراق سمع به طریق دیگری نتوان مبادرت به کشف جرم نمود مقام قضایی با توجه به ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مجاز به اصدار دستور استراق سمع و مکالمات تلفنی متهم آنهم در مدت معینی می‌باشد و نیز در حدود مقررات ماده ۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند اقدام به مفتوح کردن یا توقیف یا بازرسی و ضبط مراسلات و مخابرات اشخاص بنماید معدوم کردن مراسلات و مکاتبات و ضبط آنها طبق مقررات ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی امکان‌پذیر است.»

«وظیفه دادگاه استان مرکز در

خصوص رفع نقص»

سؤال: آیا دادگاه تجدیدنظر قانوناً می‌تواند پرونده را جهت رفع نقص به دادگاه صادرکننده حکم اعاده دهد یا همانطوری که می‌تواند ماهیتاً رسیدگی کند می‌تواند خود رأساً رفع نقص کرده و حکم صادر نماید؟

شماره و تاریخ نظریه: ۷۴/۶/۸-۷/۲۷۹۰

نظریه مشورتی اداره حقوقی

«با عنایت به ماده ۲۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ و نظر به این که دادگاه تجدیدنظر مرکز استان رسیدگی ماهوی می‌کند در صورت احراز نقص تحقیقات باید رأساً در مقام رفع نقص برآید بدیهی است چنانچه اقدام به رفع نقص باید در حوزه قضایی دیگری انجام پذیرد دادگاه مذکور می‌تواند از مقررات مربوط به اعطای نیابت قضایی استفاده کند (تبصره ۲ ماده ۱۲ قانون فوق‌الذکر و مادتين ۴۴۲ و ۴۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی).»

«مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی

به اتهام رؤسای ادارات»

سؤال: مرجع رسیدگی به اتهام رؤسای

ادارات در صلاحیت دادگاه عمومی شهرستان است یا دادگاه عمومی مرکز استان؟ شماره و تاریخ نظریه: ۷۵/۱۱/۱۵-۷/۷۲۷۰

نظریه مشورتی اداره حقوقی

«طبق ماده ۲ قانون تشکیل دیوان کیفری مصوب اردیبهشت سال ۱۳۳۴ و تبصره یک ماده ۸ لایحه قانون تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ده مهرماه ۱۳۵۸ و با توجه به فلسفه وضع تبصره ذیل ماده مذکور به جرائم روسای ادارات دادگاه عمومی مرکز استان رسیدگی می‌نماید در مورد استعلام دادگاه مرکز استان صالح به رسیدگی است و دادگاه محل وقوع بزه صالح نیست.»

«بلامانع بودن ارجاع پرونده به شعبه دیگر برای تعیین تکلیف فوری»

سؤال: در مواردی که رئیس یا دادرس شعبه حضور ندارد و پرونده از پاسگاه به دادگستری ارسال می‌گردد برای تسریع در رسیدگی آیا معاونت قضایی می‌تواند رأساً پرونده را برای تحقیق و صدور قرار و اخذ آخرین دفاع در صورت احراز بزه به شعبه تحقیق ارجاع دهد یا خیر؟

شماره و تاریخ نظریه: ۷۶/۶/۳۰-۷/۳۹۸۶

نظریه مشورتی اداره حقوقی

«اجازه ارجاع پرونده در حقیقت مربوط به پرونده‌هایی است که هنوز به شعبه خاص ارجاع نگردیده و مطرح رسیدگی قرار نگرفته است و به عبارت دیگر با ارجاع پرونده به یک شعبه امر ارجاع پایان می‌پذیرد مع الوصف در مواقع ضروری و فوری چنانچه رئیس شعبه به هر علتی حاضر نباشد و یا از رسیدگی مردود باشد دادرس علی‌البدل هم نباشد و امر مستلزم تعیین تکلیف فوری باشد بهتر است که به شعبه دیگری ارجاع شود و معاون قضایی در

صورتی که تصدی شعبه را هم به عهده داشته باشد می تواند پرونده را برای اقدامات فوری و فوتی به کیفیت مذکور در استعلام ابتداء به شعبه خود و سپس به قاضی تحقیق ارجاع نماید.

«احکام قابل اعاده دادرسی»

سؤال: قزازهایی که از سوی محاکم من جمله قرار رد در مقام اعاده دادرسی صادر می شود با توجه به قانون اخیرالتصویب دادگاههای عمومی و انقلاب قابل اعتراض می باشد یا خیر؟

شماره و تاریخ نظریه: ۷۵/۸/۱۰-۷/۴/۱۶۴

«نظریه مشورتی اداره حقوقی»

به موجب ماده ۵۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی درخواست اعاده دادرسی در امور حقوقی باید به دادگاهی داده شود که حکم مورد درخواست اعاده دادرسی را صادر کرده است، از طرفی مطابق ماده ۵۹۱ قانون یادشده فقط نسبت به دو دسته از احکام می توان درخواست اعاده دادرسی نمود: ۱- حکم صادر از مرجع تجدیدنظر که در این صورت قبول یا رد درخواست اعاده دادرسی قابل تجدیدنظر نیست ۲- حکم حضوری مرحله نخستین که به طور قطعی صادر شده که در این فرض با توجه به شق ب از ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب و بند یک آن قرار رد یا قبول درخواست اعاده دادرسی قابل تجدیدنظر است.

«ضرر و زیان در قانون چک»

سؤال ۱- در مرحله رسیدگی متهم به صدور چک بلامحل با تودیع وجه الضمان - آزاد، حکم بر محکومیت وی به تحمل حبس و پرداخت جزای نقدی صادر و به لحاظ انقضای مهلت قانونی تجدیدنظرخواهی قطعی گردیده است تمامی اقدامات اجرای

احکام کیفری در جهت جلب محکوم علیه و اجرای حکم بلحاظ متواری بودن محکوم علیه منتج به نتیجه نشده است. آیا در چنین مواردی می توان از محل وجه الضمان تودیمی وجه چک موضوع شکایت را به محکوم له پرونده پرداخت نمود یا خیر؟

سؤال ۲- در صورت مثبت بودن پاسخ آپاس از دستگیری محکوم علیه مجازات حبس در مورد وی قابل اجرا خواهد بود یا خیر؟ تاریخ نظریه: ۷۶/۱۱/۲۱-۷/۸/۳۲۸

«نظریه مشورتی اداره حقوقی»

۱- چنانچه شاکی خصوصی دادخواست ضرر و زیان داده باشد پس از قطعیت حکم دادگاه مستنداً به تبصره یک ذیل ماده ۱۸ قانون صدور چک مکلف است ضرر و زیان مدعی خصوصی را از محل وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی پرداخت نماید، خواه محکوم علیه در دسترس باشد یا نباشد، ضمناً اگر وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی را محکوم علیه نپرداخته باشد بلکه شخص ثالث آنرا در قبال آزادی متهم تودیع کرده باشد و متهم فراری شود، باز هم حسب مقررات کلی ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری باید غرامت و خسارات شاکی را از همان محل پرداخت نمود.

۲- اگر شاکی چک، دادخواست ضرر و زیان نداده و یا حکمی به پرداخت ضرر و زیان صادر نشده باشد، پرداخت ضرر و زیان او از محل وجه الضمان مستند قانونی ندارد.

۳- در صورتی که ضرر و زیان مدعی خصوصی از محل وجه الضمان تادیه شده باشد، پس از دستگیری محکوم علیه مجازات حبس و جزای نقدی در باره او اجراء می گردد.

تبصره - اداره اموال و اعتبارات دولتی قانونی طفل صغیر به عهده سرپرست خواهد بود مگر آن که دادگاه ترتیب دیگری اتخاذ نماید.
ماده ۱۲ - در مواردی که تکلیف زناحویین زوجین سرپرست متحرک به صدور و توفیق عدم امکان هائل می شود دادگاه در مورد طفل تحت سرپرستی به ترتیب مقرر در قانون حمایت خانواده اقدام خواهد کرد.
ماده ۱۳ - مقررات قانون اموال شخصیه ایرانیان شریف نسبت به مورد فرزند خواندگی به اعتبار خود بقی است.
ماده ۱۴ - مفاد حکم قطعی سرپرستی به اداره ثبت اموال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی بدین طفل تنظیم بنا بر مقتضات زوجین سرپرست و اموال دولتی زوج صادر خواهد شد.
ماده ۱۵ - خروج طفل صغیری که برای سرپرستی به کسی سپرده شد در دوره آزمایشی از کشور موقوف به موافقت دادستان محل خواهد بود.
ماده ۱۶ - سرپرستی که به موجب این قانون برقرار می شود فقط در موارد ذیل قابل فسخ است:
۱- تقاضای دادستان در صورتی که سوء رفتار یا عدم تعهد و سهل انگاری هر یک از زوجین سرپرست برای نگهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد.
۲- تقاضای سرپرست در صورتی که سوء رفتار طفل برای هر یک از آنان محرز باشد.
۳- فقدان استطاعت برای تربیت و نگهداری طفل را از دست داده باشد.
۴- تولد طفل بعد از رسیدن به سن کبر یا زوجین سرپرست بنا بر موافقت زوجین سرپرست یا پدر و مادر واقعی طفل صغیر.
ماده ۱۷ - قبل از صدور حکم فسخ